

## ضرورت وجود دائمی امام در منابع فریقین

### چکیده محتوایی

بیان مدعا (دکتر اسداف):

بنابر مفهوم برخی از آیات قرآن کریم، خداوند متعال هیچ موقع روی زمین را بدون امام هدایتگر نمی گذارد. در هر قرنی، برای ارشاد مردم و شاهد بر اعمال آنها، امامان معصوم از پیش خداوند تعیین می گردد که در روز قیامت نیز، همین مردم با امام زمان خویش مشهور خواهند شد. این مسأله در آیات شریفه به صورت های مختلف مطرح شده است که ما در این تحقیق بعضی از آنها را با استناد به منابع فریقین، به ویژه منابع معتبر اهل سنت ذکر کرده و به بررسی دلالتشان بر مدعای خود پرداختیم. و در آخر متذکر شدیم که وجود امام بین مردم، لزوماً به معنای وجود مشهود او نیست، زیرا وظیفه عمده امام هدایت باطنی مردم و واسطه گری بین خلق و حق است که برای این امر نیز حضور ظاهری میان مردم ضرورت ندارد.

ناقد اول (حجت الاسلام شعبان داداشی):

ادله نقلیه طرح شده در متن مقاله؛ اصلاً با عنوان مقاله («ضرورت وجود دائمی امام در منابع فریقین») همخوانی ندارد؛ در گام اول، می بایست از ادله عقلی در جهت اثبات ضرورت وجود امام بهره می جست؛ و از دلایل نقلی، به عنوان مؤید آنها بهره می برد؛ شایسته این بود که محقق محترم در مقدمه مقاله، به مباحثی همچون بحث «مفهوم امام» و... به پردازد؛ تا محور نزاع مشخص و منقح شود؛ زیرا امامتی که طایفه خاصه (شیعیان) از آن دفاع می نمایند غیر از امامتی است که طایفه عامه (اهل سنت) بدان اعتراف نموده اند؛ عدم همخوانی بین محتوای چکیده با محتوای مقاله؛ عدم ذکر واژگان کلیدی در چکیده مقاله؛ مناسب نبودن محتوای مقاله با عنوان مقاله؛ مراد از کلمه «ائمّه» در آیه هدایت، امامت به معنی مصطلح و مورد نزاع نمی باشد؛ علمای عامه، به عصمت ائمت و جمع «اهل حلّ و عقد»، باور دارند و به عصمت ائمه هدی (ع) باور ندارند؛ آنچه که از آیات و روایات در جهت اثبات ضرورت وجود امام در همه زمانها و مکانها بدانها استناد شده است برای اثبات ماعاً کافی نیست.

ناقد دوم (حجت الاسلام دکتر عزالدین رضائزاد):

عدم ارائه تبیینی مناسب از مدعای اصلی مقاله؛ با توجه به اینکه دیدگاه شیعه و اهل سنت در تعریف از مفهوم اصطلاحی «امام» متفاوت است؛ شایسته این است که در مقدمه، مقصود از «امام» در عنوان مقاله، منقح شود؛ و در خلال آن بطور شفاف بیان شود: کدام امام، وجودش در همه زمان ها ضرورت دارد؟؛ به سخن دیگر: منظور از «امام» در عبارت «ضرورت وجود امام» چیست؟؛ آیا مراد از آن، امام معصوم است؟؛ و یا حجت؟؛ و یا هدایتگر مطلق؟؛ و یا هدایتگر نسبی؟؛ با توجه به اینکه محقق محترم در طرح نامه کرسی خویش آورده است: «ذات امام...»؛ سؤال بنده این است: آیا دانشوران اهل سنت در متون حدیثی و غیر حدیثی خود، چنین امامی را باور دارند؟؛ از همه گذشته: آیا چنین امامی (= امام به عنوان حجت الهی) حتماً باید «شخص» باشد و یا عقل هم می تواند مصداقی از آن باشد؟؛ و اگر حتماً باید «فرد» باشد؛ مقصود از امام، همان شخصیتی است که شیعیان بدان باور دارند و یا مراد از آن می تواند همانی باشد که اهل سنت می گویند؟؛ محقق محترم با تکیه بر مفاد آیه «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» و...؛ از «هادی» و «نذیر» بودن «امام» سخن به میان آورد؛ اکنون این پرسش ها شکل می گیرد: آیا منظور، هدایت باطنی است؟؛ آیا امام مورد نظر محقق محترم، در تمامی ازمنه گذشته وجود داشته است؟؛ محقق محترم با استناد به آیات «شهادت» (آیات حاکی از شاهد و گواه بودن امام)، بر این نکته تصریح نموده است که امام باید زنده باشد؛ سؤال این است آیا این مشروط به حضور هست یا نه؟ اگر بگوئید: حضور شرط هست؛ پس شهادت امام غایب چگونه توجیه می شود؟ و اگر مشروط به حضور نیست خب اولاً: خود عیسی (ع) زنده هست و می تواند شاهد باشد؛ پس دیگر نیازی به وجود امام زمان (ع) نمی باشد. ثانیاً: بر اساس روایات، ارواح انبیاء الهی و... در این عالم تأثیر گذار هستند پس باز هم نیازی به وجود امام زمان (ع) نمی باشد؛ محقق محترم با تکیه بر پاره ای از روایات مذکور در متون حدیثی اهل سنت چنین نتیجه گرفته است که مولفان این کتابها نیز، به ضرورت وجود امام باور دارند؛ سخن ما این است که امام مورد نظر آنها غیر از امام مورد قبول در نزد این دانشوران می باشد و...؛ محقق محترم مدعی شد که می خواهد مسئله ضرورت وجود امام را با استفاده از منابع فریقین بویژه اهل سنت به اثبات برساند ولی عملاً از چند منبع محدود از اهل سنت عباراتی را نقل نموده است تازه همین عبارات هم ربطی به مدعای ایشان ندارد و...